



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۱/۲۲

م. اسحاق نگارگر

راه بیرون رفت افغانستان از بحران

گاه گاه برخی از دوستان از من راه گم کرده در باره راه بیرون رفت افغانستان از بحران می پرسند که متأسفانه من در این مورد چیزی قابل توجه و دندان گیر نمی دانم. من همین قدر میدانم و در پانزدهم جنوری سال ۲۰۱۵ یعنی دو سال پیش از امروز آنچه را می دانستم گفته بودم. بدبختانه رقابت دو ابر قدرت وقت در دهه هفتاد قرن گذشته سبب سقوط بسیار بی موقع دولت داوود خان در هنگامی شد که ما احزاب نیرومند ملی نداشتیم و به شمول داوود خان و حزب دموکراتیک خلق و بعد ها احزاب بی پروگرام و بدون دسپلین یخنی تنظیم های مجاهدین قدرت را در دست در اختیار خود می خواستند و هر یک دیگر را خائن و نوکر اجنبی می پنداشتند و این ملت از هیچ گونه تجربه سیاسی و ملی برخوردار نبود و هیچ گونه هنر ائتلاف با دیگران را نیازموده بود و بدبختانه وکیلان شورا نیز بلی صاحب گویان این یا آن رهبر بر سر اقتدار بودند و کشوری این چنین اگر گرفتار بحران نشود عجیب است. ما یک حزب ملی که در تمام افغانستان میان مردم نفوذ داشته باشد و شعور سیاسی مردم را بالا ببرد نداشتیم و احزاب تشکیل شده در عالم مهاجرت هرگز احزاب ملی نبوده اند. با اطمینان برای تان می گویم که گروه های مذهبی و قومی هرگز به دموکراسی نمی رسند زیرا که دیگران را در حلقه های خود پذیرفته نمی توانند. شعار این گروه های سیاسی همیشه همین بوده است که یا با من باش و یا مخالف من باش اگر مخالف من استی مسلمان نیستی؛ افغان نیستی یا نوکر ایران؛ پاکستان؛ روسیه؛ امریکا؛ فرانسه؛ چین و صد کشور دیگر استی. شما برای من ده نفر آری فقط ده نفر افغان نشان بدهید که من برای تان راه بیرون رفت از بحران را نشان بدهم و اما آن راهی که من نشان میدهم این است که ما در قمار حوادث خود را باختیم و بسیار نزدیک است که کشور را نیز ببازیم. ما همه راه اشتباه رفته ایم. سیاستمدار وقتی اشتباه می کند مردانه با مردم خود روبرو می شود و از ملت میخواهد که او را از غرق شدن نجات بدهد. راه بیرون رفت از بحران همین است که بر تمام احزاب ساخت پاکستان؛ ایران روسیه؛ چین و دیگران چلیپا بکشیم و یک حکومت ملی و مقتدر برای یک دوره پنج ساله برگزینیم که همه کمبودی های امروز ما را درست کند و زمینه سه حزب نیرومند ملی را که در آن مسلمان شیعه و سنی و دیندار و بی دین و بالاخره هندو و مسلمان چیزی مانند کانگرس هند بسازیم که در آن گاندی و ابوالکلام آزاد در یک صف و برای یک هدف باهم مبارزه کنند و هر چه دارند برای مردم عرضه کنند و از مردم رأی بخواهند. دولت ها و دولتمردان ما خود به دموکراسی اعتقاد ندارند و هنوز کیش کلاشنیکوف بر ما حکومت می کنند. شبلی عارف معروف باری گفته بود: «آن که تمام بشریت را خانواده خود نداند نمی تواند خود را صوفی بنامد.» بشریت به جای خود باشد ما هنوز در غوزه قومیت؛ مذهب و زبان اسیر مانده ایم و اعضای یک مملکت که همان اعضای یک خانواده استند بر روی همدیگر شمشیر می کشند و

این خود بحران است و برای بیرون رفت از بحران عشق شبلی در کار است. آری جگر شیر نادری سفر عشق مکن! این است راه بیرون رفت از بحران و لطفاً دیگر از من مپرسید که پوست کنده تر از این نیز سخن می گویم. نگارگر ۱۵ جنوری ۲۰۱۷ برمنگهم

فلک هم نمی تواند کور گره مشکل این کشور خدا داد را باز گشاید.

روزگاری رئیس جمهور قبلی افغانستان می گفت: "افغانستان به احزاب سیاسی ضرورت ندارد." ولی غیر من هیچ کس بدان عالیجناب نگفت که "آخر خانه پُر پلو اگر واقعاً این گفته راست است و افغانستان به عنوان یک استثناء از قاعده عمومی به احزاب سیاسی ضرورت ندارد تا چه وقت ضرورت ندارد؟ چرا ضرورت ندارد و اگر به فرض محال ضرورت ندارد پس شما را چه مصیبت پیش کرده است که بر سری که هیچ درد ندارد دستمال می بندید و در وزارت عدلیه تان بیش از یک صد و بیست حزب را ثبت فرموده اید؟ و حتی یک بار هم معیارهای قبول شده تشکیل احزاب سیاسی را مرور نکرده اید و نفهمیده اید که احزاب سیاسی بر مبنای آرمان ها و عقاید همسان سیاسی تشکیل می شود و این آرمان ها و عقاید مشترک شب در میان به وجود نمی آید.

در کشور خداداد افغانستان احزاب سیاسی در سرزمین بیگانه و در محیط هجرت و زیر نظر یک کشور رقیب که همراهش دعوی بسیار دیرین و فیصله نشده داشتید تشکیل شد و با اینکه سال ها می گذرد هنوز از پلاستای آن رجم بیگانه کاملاً جدا نشده است. در این احزاب برای هر ولایت افغانستان یک آمر ولایتی وجود داشت و احزاب برای اینکه سیاهی لشکر خود را بسیار جلوه دهند و به حساب آن از کمشنری و کشورهای کمک کننده خیمه و راشن بیشتر بگیرند آن آمر ولایتی برای هندو و مسلمان تصدیق می داد که مردی مسلمان است و در خاد و دیگر سازمان های دولتی کابل کار نمی کند و طبیعی است که حزبی با یک چنین معیار تشکیلاتی میتواند محل رخنه مأمون جاسوسان آی. اس. آی. پاکستان و خاد کابل هر دو باشد. ناگفته پیداست که حزبی با چنین ساخت و تشکیلات نمی تواند به درد مبارزه سیاسی و رقابت های انتخاباتی در داخل کشور به کار بیاید. از سوی دیگر رهبران این احزاب در حالی که ملیون ها دالر سرمایه به هم زده بودند مدرک عایدات شان معلوم نبود چنانکه تا امروز هم نیست. مشکل دیگر هم اینکه احزاب در پشاور از همان آغاز کار به دو دسته بنیاد گرا (اتحاد هفتگانه) و اعتدال گرا (اتحاد سه گانه) تقسیم شده بودند که نه خود می خواستند زمینه های اتحاد خود را جست و جو کنند و نه پاکستان میخواست که اینان را باهم متحد سازد. اینان هر کدام یک ریاست معارف جداگانه داشتند. در ایران احزاب ایران نشین با عین همین معیار های قومی و سمتی به وجود آمده بود به اضافه اینکه چون ایران مشوق مذهب اهل تشیع بود در آنجا احزاب این رنگ مذهبی را به صورت متبارز داشتند. حالا که مردم هرات بیچاره داکتر عبدالله را به خاطر اینکه وزیری هراتی ندارد نفرین می کنند و از او ناراض استند یک حقیقت بدیهی را از یاد می برند که جمعیت اسلامی مرحوم ربانی پس از مرگ او تیت و پاشان شد و جناح هرات آن که رهبرانش اسماعیل خان و علاوالدین خان و جناب افضل بود یا مردند و یا مانند اسماعیل خان یتیم بی سرپرست ماندند که دیگر در معادلات سیاسی به هیچ حساب نمی آیند ولی احزاب ساخت ایران به حساب وحدت مذهبی وحدت حزبی خود را نیز نگاه داشته اند و در این میان عبدالله و اشرف غنی نیز که به عنوان دو تیم و نه دو حزب در انتخابات سهم گرفتند در درون آن دو تیم محقق و دوستم دو نیروی تعیین کننده بودند و رئیس جمهور و رئیس اجرائی نیز باید تسلیم تمایل آن دو می شدند و بدین ترتیب بود که علی رغم سروصدای رئیس جمهور روابط بر ضوابط حاکم گردید که اگر بر عکس می بود من تعجب میکردم.

حالا اگر اینان کابینه را بر اساس سهم ولایات نیز تقسیم میکردند از کجا معلوم که ساکنان ولسوالی ها برای خود دعوای سهم نمی کردند و بنا بر این برای کابینه سازان امری تعلیق به محال می شد اما چنانکه ولسوال ها را به اساس رقابت آزاد بر می گزینند می توانستند وزرای کابینه را به اساس همین رقابت آزاد بر می گزینند. من ترجیح میدادم اگر جناب رئیس اجرائی به عنوان یک نیروی مخالف در مبارزات پارلمانی شرکت می کرد اما به هر صورت وجود کم از کم سه حزب سیاسی تا انتخابات آینده یک ضرورت است و اگر هر دو رهبر این مسأله را جدی نگیرند باز هم همین آتش خواهد بود و همین کاسه. تا این احزاب بر معیار های ملی استوار نگردد و اقشار مختلف با معیار های عقیدتی و آرمانی گرد هم نیایند کور گره این مشکل باز نخواهد شد. والله اعلم بالصواب ۱۵ جنوری ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر

